

مطالعه و تصحیح نسخه «رساله‌ای در دفع وبا» از میرزا ابوالحسن خان دکتر (معتمدالسلطان)

سید علیرضا گلشنی الف، قباد منصور بخت الف، حجت عبادی منش ب

الف- گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

ب- گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

نسخه «رساله‌ای در دفع وبا» از ابوالحسن خان بهرامی (تفرشی)، پسر عبدالوهاب خان تفرشی مشهور به میرزا ابوالحسن خان دکتر (معتمدالسلطان) (۱۲۶۱ تا ۱۳۳۲ هـ) در دوره قاجار (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ هـ) است. این نسخه چاپ خطی منحصر به فرد و به زبان فارسی در کتابخانه نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره ۱۰۲۶ نگهداری می‌شود. این پژوهش به شیوه تحلیل‌سنتقادی و با روش تحلیل‌سنتقادی انجام شده است و بعد از بازنخوانی و تصحیح نسخه «رساله‌ای در دفع وبا» به منظور رسیدن به اهداف پژوهش، اطلاعات جمع‌آوری شده تجزیه و تحلیل شد. محتوای رساله در دو باب نوشته شده است؛ ابتدا این رساله طبی به طبیعت مرض وبا و دستور محافظت اشخاص از آن توجه دارد و دوم به تفصیل مرض وبا و علاج بیماری پرداخته است. در این پژوهش ابتدا در مقدمه به تاریخچه مختصراً از شیوع وبا در دوره قاجار و علتی که نگارنده، دکتر ابوالحسن خان بهرامی (تفرشی)، بیان کرده و درنهایت به تصحیح علمی و ادبی نسخه «رساله‌ای در دفع وبا» می‌پردازیم.

تاریخ دریافت آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش دی ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها: وبا؛ تاریخ پژوهشی؛ تاریخ قرن ۱۹

مقدمه

فهرستواره منزوی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه مرکز و اسناد ملی باقی مانده است.

انگیزه اصلی در نگارش این رساله را می‌توان شیوع بیماری وبا در رشت در سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۸۷۶ هـ (۱۸۷۷ م بدایم که چیزی بین ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر را در حدود گیلان تلف کرد که به این دلیل که دکتر ابوالحسن خان بهرامی در این منطقه به مداوای بیماران مشغول بوده و همواره اهل پژوهش بوده به شرح، تدوین و تحقیق بیماری وبا می‌پردازد. او در هنگام بازگشت به تهران «رساله وبا» را در اختیار مجلس حفظ الصحة تهران قرار می‌دهد که مورد توجه و تحسین پژوهشان طب مدرن و سنتی دوره قاجار قرار گرفته است. این رساله آنچنان اهمیت می‌یابد که او را به عضویت مجلس حفظ الصحة تهران درمی‌آورد (۱).

«مجلس حفظ الصحة تهران» با همت دکتر ژوزف دزیره تولوزان (Dr. Joseph Désiré Tholozan) (۱۸۲۰ تا ۱۸۹۷ هـ) م،

آبوالحسن خان بهرامی، پسر عبدالوهاب خان تفرشی مشهور به میرزا ابوالحسن خان دکتر (معتمدالسلطان)، در ۲۳ ربیع الاول ۱۲۶۱ مصادف با ۱ آوریل ۱۸۴۵ میلادی در طرخوران از روستاهای بزرگ تفرش (در استان مرکزی فعلی) متولد شد و در ۱۳۳۲ هـ (۱۹۱۴ م) به دلیل بیماری سپتیسمی (عفونت خون) در تهران درگذشت (۱). او از پژوهشان و جراحان معاصر ایرانی و از پیشگامان ترویج طب نوین اروپایی در کنار دانش طب اصیل ایرانی است (۱). در مورد بیوگرافی او در اکثر متنون تاریخی گزارش مفصلی آمده که به بازگوکردن آن در اینجا نیاز نیست، اما مسئله‌ای که سبب شده در این پژوهش در مورد دکتر آبوالحسن خان بهرامی سخن به میان آورده شود، رساله طبی منحصر به فردی است که با عنوانین «وبا»، «رساله‌ای در دفع وبا» و «رساله در مرض وبا» نشانی از آن در کتابخانه دائمی المعرف بزرگ اسلامی،

روش بررسی

روش تحقیق در این پژوهش، روش تاریخی با رویکرد تحلیلی-انتقادی و تصحیح نسخه خطی و شیوه گردآوری مطالب به صورت کتابشناسی (Bibliography) است و روش انجام این تحقیق، مطالعه توصیفی متکی بر منابع کتابخانه‌ای و بررسی تحلیل علمی نسخه خطی بر مبنای دوره تاریخی موربد بحث به شیوه پژوهشی جدید می‌باشد. درنهایت مراحل گردآوری و تدوین این تحقیق از آغاز تا خاتمه به این ترتیب می‌باشد: الف) مطالعه دقیق نسخه رساله خطی «رساله‌ای در دفع وبا» از دکتر آبوالحسن خان بهرامی (تفرشی)، پسر عبدالوهاب خان تفرشی مشهور به میرزا ابوالحسن خان دکتر (معتمدالسلطان؛ ب) بازخوانی، ترجمه و تصحیح دقیق نسخه طبی؛ ج) استفاده از دائرةالمعارف و لغت‌نامه‌های معتبر برای اصطلاحات طبی برای بررسی و تحلیل هر چه بهتر اطلاعات؛ د) تدوین و نگارش مطالب.

اما نکته‌ای که سبب توجه نگارندگان این مقاله به نسخه نسبتاً کامل باقی‌مانده از نسخه «رساله‌ای در دفع وبا» از شخصیت معروفی در مدرسه دارالفنون، یعنی دکتر آبوالحسن خان بهرامی (تفرشی) شده، رساله طبی منحصر به‌فردی است که از سوی حکیم مزبور تدوین شده و به صورت دست‌نویس در سده ۱۳ هق، به صورت نسخه خطی با شماره نسخه ۱۰۲۶ در گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به زبان فارسی باقی‌مانده که پژوهشگران این تحقیق از این نسخه برای تصحیح استفاده کردند (۴).

یافته‌ها

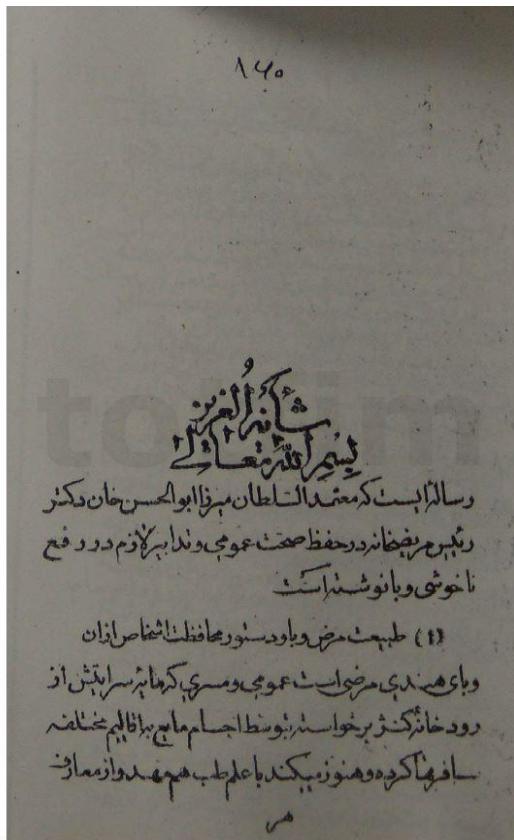
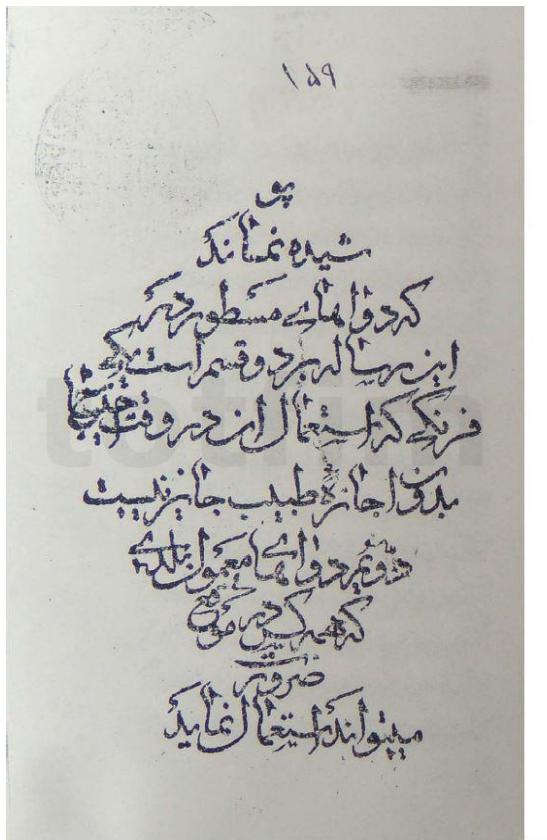
پوشیده نماند که دواهای مسطور در این رساله بر دو قسم است: یکی فرنگی که استعمال آن در وقت احتیاج بدون اجازه طبیب جایز نیست، دویم دواهای معمول بلدی [مربوط به شهر (۵)] که همه‌کس در موقع ضرورت می‌تواند استعمال نماید (صفحة مقدمه رساله).

پزشک و همه‌گیرشناس (Epidemiologist) فرانسوی و پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه (حکومت ۱۲۶۴- ۱۳۱۳ ق/ ۱۸۹۶- ۱۸۴۸ میلادی)، در سال ۱۲۹۲ هق ۱۸۷۶ م در تهران تأسیس شد. مجلس مزبور به‌منظور کشف علل و عوامل پیدایش و شیوع وبا که به‌طور متناوب در ایران شیوع می‌یافت و نیز مبارزه با آن احداث شده بود، اما معمولاً در هنگام شیوع وبا این مرکز مشغول به کار بود. پس از مرگ دکتر تولوزان، حدود دو سال دکتر بازیل (Dr. Basile)، پزشک ارمنی فرانسوی و معلم پزشکی در مدرسه دارالفنون، آن را اداره کرد و بعد این مجلس تعطیل شد تا این‌که با شیوع وبا در سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۱ هق ۱۹۰۴ م دکتر ژان اتین ژوستن اشنایدر (Dr. Jean-Etienne Justin Schneider)، اتریشی‌الاصل و اهل آنژاس و از پزشکان ارتش فرانسه، به عنوان پزشک مخصوص مظفرالدین‌شاه مأموریت یافت تا مجدداً به احیای مجلس حفظ الصحه و به مبارزه با بیماری‌های عفونی و واگیر پردازد. درنتیجه، این مجلس مشکل از پزشکان اروپایی مقیم تهران و چند پزشک ایرانی مجدداً احیا شد (۲، ۳). دوروتی دو وارزی ارمال (Dorothy de Warzee Hermalle) همسر لئون لوماری دو وارزی (Leon Lomari de Warzee) دیپلمات بلژیکی، در این‌باره گفته که به همت مجلس حفظ الصحه در اپیدمی طاعون در سیستان به سال ۱۳۲۲ هق و نیز اپیدمی وبا در همین سال، اقدامات زیادی انجام شده بود. از طرف این مجلس چندین بار کمیسیون تشکیل و جزووهای راهنمای شناخت و رعایت اصول بهداشتی تهیه شده بود تا مردم را با علل بروز وبا و دیگر بیماری‌ها و جلوگیری از آنها آشنا کنند (۳).

درواقع شاید بتوان چنین ادعا کرد که «رساله‌ای در دفع وبا» از دکتر آبوالحسن خان بهرامی (تفرشی)، یکی از متون مهم آموزشی دانش پزشکی در مقابله با بیماری وبا در «مجلس حفظ الصحه تهران» است که در اینجا به بررسی و تصحیح نسخه کاملی از آن خواهیم پرداخت، تا بهتر به جایگاه اصلی این نسخه در تاریخ پزشکی در دوره قاجار و اهمیت تاریخ بیماری وبا در این دوره پی‌بریم.

دکتر، رئیس مریض خانه در حفظ صحت عمومی و تدبیر لازم در دفع ناخوشی وبا نوشتہ است (تصویر ۱) (۴).

رساله‌اي است که معمدالسلطان، ميرزا ابوالحسن خان



تصویر ۱. صفحه اول رساله

اروپاییان بهنوبت در تحقیق طبیعت و معالجه این حلت [Choléra : Χολέρα] (صفراوی) نامش نهاده، اعراب و [ضعف، فتور یا جهت چیزی (۵)] کوشیده‌اند.

با وجود قدیمی بودن مرض، طبیعت مایه مسری معلوم نشده و هر کس در باب اصل مرض و با خیالی کرده. بعضی به آثار کواکبیش [ستارگان یا اجرام آسمانی (۵)] بسته و برخی بلای آسمانی اش دانسته، گروهی تعفن [بوی بد، عفونت، گندیدگی (۵)] هوایش بسته می‌دانستند تا در این چند سال که از سعی اطبای معاصرین خاصه دکتر کخ آلمانی [روبرت کخ Heinrich Hermann Robert Koch (۱۸۴۳-۱۹۱۰)] پژوهش و دانشمند میکروب‌شناس آلمانی (۶) با ذره‌بین و رحمت بسیار معلوم شد که این مایه هومایی [موجودات ریز،

(۱) طبیعت مرض وبا و دستور محافظت اشخاص از آن
ویای هندی مرضی است عمومی و مسری که مایه سرایتش از رودخانه کنث [رود گنگ، بزرگترین رود شبه قاره هند و دارای ۲۵۰۶ کیلومتر طول است (۵)] برخاسته به توسط اجسام مایع به اقالیم مختلفه مسافرت‌ها کرده و هنوز می‌کند، با علم طب هم‌مهد و از معارف (صفحه ۱) هر عهد بوده است. چنانچه در سه موضع از کتاب مقدس تورات، شرحی از خطر و گریز از این مرض مرقوم آمده ابقراط [بقراط یا هیپوکراتیس (۳۷۰ تا ۴۶۰ مق) پزشک یونانی (۵)] در کتاب پنجم امراض اپیدمی تفصیلی از آن نگاشته و در کتاب سانسکریت هند به اسم سی‌تانکا (जाह्नवी: بلای سیاه) نوشته شده. چینی‌ها هلوان (霍亂 : Huòluàn) و یونانی‌ها کلرا

و حمام‌هاست که باید اهل شهر همدست شده حوض‌ها و آب‌انبارها را زیرآب [مخرجی دربسته در تک‌خزانه یا حوض آب‌انبار و غیره که به چاهی یا مغایکی متنه می‌شود تا آنگاه که خواهند، آن را باز کنند و آبدان از آب و لجن تهی شود(۵)] زده و شسته، آب تازه در آنها بسته، به قدری که مناسب وسعت حوض و آب‌انبار باشد آهن در آنها گذاشته، هیچ‌گونه غفلتی در این میان روا ندارند که مایه ملامت خود و شماتت همسایه است.

شرط دوم پاک‌داشتن میال‌هاست [«میال» از ریشه «بَول»، که عربی و اسم مکان است، آمده و به معنی « محل ادرار» است. طهارت‌خانه، آبریز، حاجت‌خانه (۵)] بدین که وضع چاه و نشیمن‌گاه را قسمی [نوعی (۵)] ترتیب بدھند که فضلات در نشیمن‌گاه جمع نشود همه‌روزه میال را شسته آب‌آهک در آن ریخته و یا محلول (صفحه ۴) م در ۱۰۰ زاج سبز [۱۰۰ مقاومت چنددارویی (MDR)، سولفات آهن یا زاج سبز (۵)] بدان پاشیده دقّت در پاکی آن داشته باشند.

شرط سیم پاک نگاه‌داشتن کوجه‌ها و پس‌کوجه‌ها و دکان‌ها و خرابه‌ها و باره‌بندها و طویله‌ها و خانه‌هاست از اقسام کسافت و پلیدی و چیزهای گندیده و بدبو مانند نعش حیوانات و فضلات نباتی و مدفوع انسان و حیوان.

چون بلای وبا در شهری بالا گیرد باز چاره هر خانه منحصر بدین دو تدبیر است که منع ورود هوام ذره‌بینی و بی‌غذا گذاشتن آن باشد چنان‌که ورود اشخاص و حیوانات بیرونی را مانع بوده آبی که از مجاری مشکوک بگذرد به خانه راه نداده، اجسام آبدار و تر از قبیل میوه‌جات و سبزی‌آلات و هرچه بدون پختن مصرف شود به خانه نیاورده به کلی مانع ورود اجسام حامل تخم این هوام شده. تدبیر دوم که عبارت از پاک‌داشتن خانه و حوض و آب‌انبار و میال و غیره باشد معمول دارند.

در صورت ورود این هوام به هر خانه باز تکلیف هر شخصی به‌جای (صفحه ۵) آوردن دو تدبیر مذکور است بدین که: ۱- در آب شستنی و نوشیدنی، دقّت کافی نموده آبی که در یک شبانه‌روز مصرف می‌کند در ظرف مخصوص جوشانیده در تنگ بلور در سنباده [ماده‌ای برای بریدن و

حشرات زهردار و موذی (۵)] است ذره‌بینی که با آب به بدن انسان داخل شده، هستی را به باد می‌دهد.

از قدیم تاکنون همه مردم مصروف به دفع مایه سراحت این مرض و خلاصی نوع انسانی از این بلا بوده در این راه بسی کوشیده (صفحه ۲) و در تدبیر را بر همه تدبیرات ترجیح داده تا امروز تدبیر بهتری از این دو تدبیر معلوم نشده، بلکه سیمی از برای آنها به دست نیامده است، یکی منع مایه مسری از دخول به شهر و بلد و دیگری برداشتن استعداد [توانایی (۵)] شهری از قبول این مایه چون تخم این هوام بی‌واسطه آب از جایی به جایی انتقال نمی‌یابد. تدبیر اول عبارت است از این که دور بلد مبتلا به وبا را احاطه کرده (کُردن‌سانیِ تر) [در معنای فرانسوی: Cordon sanitaire به معنای حلقة بهداشتی است] حیوان و انسان آن بلد را مانع از دخول به شهر و بلاد مجاور شده در صورتی مردم ناگزیر از راه‌دادن مجاور و مسافرین باشند بر مدخل شهر و بلد خود حفظ گاهی که چهل روز گذرندگان از نقطه مبتلا را در آنجا نگاه دارند (گراتین) [قرنطینه (۵)] قرار داده در این مدت بعضی تدبیرات از قبیل دود گوگرد و بخورهایی که هوام [موجودات ریز یا همان میکروب‌ها (۵)] ذره‌بینی را می‌کشد معمول داشته پس اجازه به دخول هر شهر و بلدی می‌دهند (۴).

تدبیر دوم رفع استعداد شهر است از قبول این هوام و پروردن آن یعنی تدبیری که آب را برای زندگانی اش ناسازگار (صفحه ۳) ساخته، مانع توالد و زیادشدنش بوده، راه تغذیه را بر او بینندن تا از گرسنگی و بی‌برگی [احتیاج (۵)] بمیرد.

از آنجا که غذای هوام وبا ای از کسافت [احتمالاً] منظور نویسنده واژه کثافت باید باشد که به‌اشتباه املایی آمده و به معنی تعفن و فساد است (۵) مخلوط به آب‌ها و مواد گندیده است، چون بخواهند بی‌غذا بماند کسافت را از آب‌ها برداشته در پوشیدن و پنهان‌کردن فضلات طبیعی بکوشند، مبادا که این حیوان بر آنها راه کند، چراکه یک دانه از این هوام خود را به چاه میالی [چاه فاضلاب (۵)] کشاند در چند ساعت عدد را به کرورها می‌رساند. پس شرط نخستین پاک‌کردن نهرها و چشمه‌ها و حوض‌ها و آب‌انبارها و منبع‌ها

ورم غشای درونی قلب و ولوول بطئی [احتمالاً فیریالسیون بطئی باید باشد] و ترمبوز لیفی [ترمبوز وریدی یا شریانی، لخته در داخل عروق (۵)] قلب و امبولی [آمبولی یا رگ‌بستاک، انسداد ناگهانی سرخرگ است (۵)] عروق شعريه [مویرگ‌ها (مویرگی) (۵)] است (۴).

چون در این مرض رطوبت خون به اسهال دفع می‌شود خون در (صفحه ۷) ورید و عروق شعريه منجمد شده، عمل دوران و تولید و تصفیه خون عموق مانده، حرارت بدن نقصان فاحش یافته، اطراف سرد و نبض ساقط گشته، به هلاک می‌انجامد.

در بعضی بروز مرض چند روز اسهال نزله [سرماخوردگی یا زکام که با خرابی سینه و سرفه همراه است (۵)] مقدمه داشته، عموماً مرض وبا دو هنگام دارد: یکی هنگام برودت که وقت کبودشدن بدن و سردی است و دیگری هنگام هیجان که در آن حین، نبض سرعت یافته، حرارت بدن برگشته و جلد سرخ شده، ادرار دست داده، صدا باز می‌شود، در این هنگام در بعضی بثورات سرخچه‌شکل در جلد ظاهر می‌گردد، که بی‌خطر و از علامات مخصوصه‌اند ولي تمام خطر این هنگام در این است که رجعت ناگهانی دوارش [سرگیجه (۵)] و حرارت به‌واسطه امبولی شعريه موجب ورم ریه و پرده‌های مغز و سایر احشا تواند شد. همیشه در بول و بایی مقداری الومین [آلومین به گروهی از پروتئین‌های محلول در آب گفته می‌شود (۵)]. است که تمام‌شدنش دلیل بر شفایافتمن شخص و بایی می‌باشد، چون سردی بدن بدانجا رسد که میزان حرارت ۲۹ درجه در زیر بغل و ۱۹ درجه در جلد [پوست بدن (۵)] نشان دهد هلاکت یقین است، ولي اتفاق هلاکت منحصر (صفحه ۸) به هنگام برودت نبوده، بسیار و بایی که در هنگام هیجان تلف شده‌اند. مریضی که در همان هنگام برودت در ظرف چند ساعت درگذرد، احتیاط در دفنش کنند، چه مدتی به همان حالت سردی هست ولي نمرده است، شاید که اگر مدتی بگذرد هنگام هیجان دست داده، شفا پذیرد.

ایام نقاوت شخص و بایی، طولانی و با اذیت و در بعضی با جزئی آثار عصبانی و متینش ماندن اطراف است.

صیقل‌زدن یا برداشتن لایه‌های نازک از روی سطح مواد سخت (۵) از هوا حفظ کرده، در اطاقی که با ادویه مانع تعفن آغشته باشند، در تنگ را باز کنند؛ ۲- از اجسام تر و آبدار که بی‌جوشانیدن خورده شوند به کلی پرهیز داشته، دست به طرف هیچ میوه دراز نکنند؛ ۳- غذا تا جوشیده و گرم است خورده، از غذای سرد و شب‌مانده به کلی صرف‌نظر کنند؛ ۴- از آنجا که ضعیف‌شدن آلات بدنی مخصوصاً مجرای تغذیه، اسباب قبول این همام است همیشه حالت این مجررا را مراعات کرده، ضعف معده و روده را به تدابیر مخصوصه به دفع آنها رفع نموده از هرگونه افراطی از حرکت و جماع و خوردن و نوشیدن برحدار بوده، بلکه افراط در طعم را هم مضر بداند؛ ۵- بدن را پاک نگه داشته، از لباس چرک احتزار نماید؛ ۶- دست و لباس را به مدفواعت مبتلایان آلوده نسازد؛ ۷- در پاکی اطاق خوردن و خفتمن دقت داشته، روزی دو دفعه با محلول اسید فنیک (در ۱۰۰۰) [اسید فنیک یا فتل منجمد یک داروی ضدغوفونی‌کننده مهم و محركی قوی است (۵)] یا سوبیلیمه [معنی فرانسوی زهرآبک؛ جسمی است قابل تصنیع که در آب محلول است و از گرم‌کردن سولفات مرکوریم و نمک به دست آید (۵)] به همین (صفحه ۶) مقدار در و دیوار اطاق را با پولورتیراتور [احتمالاً محلول ضدامراض که با آب ترکیب می‌شود (۵)] آغشته ساخته، تمام اسباب خانه و رختخواب و غیره را پس از شستن و پاک‌نمودن بدین محلول آلوده [مالیده به چیزی، آغشته (۵)] سازد؛ ۸- مدفوع و قی و اسهال و بایی را دفع نموده و یا سوزانیده لباس و رختخواب و سایر ملبوس او را سوزانیده و یا جوشانیده هر دفعه که از مبال به درآید مبال را شسته محلول زاج سبز در آن بریزند؛ ۹- آبی که دست و صورت بدان می‌شویند و طهارت از آن می‌گیرند محلول ضعیفی از اسید فنیک باشد (۴).

(۲) تفصیل مرض وبا و علاجش

مرض وبای هندی شناخته می‌شود به اسهال مایع زیادی پر از دانه‌های سفید و کرم کوچک ذره‌بینی باقی و تشنج و کبودشدن لب سر انگشتان و گرفتن صدا و نبودن ادرار که علامت تشریحی آن بزرگ‌شدن غدد متفرقه روده و در بعضی

است (۵)] تریاک را در ۲۰ مثقال آب جوش ریخته دو دانه سفیده تخم مرغ بدان افزوده اماله کنند (۴). چون اول علامت وبا آشکار گردد ۵ تا ۱۰ گندم عصاره راتانیا [گیاهی از تیره لگومینوز از دسته سزاپینه قسمت قابل مصرف: ریشه، ماده مؤثره تانن (۵)] را در یک استیکان لعاب به دانه داغ دم نموده، بدهنند. در جایی که عصاره دست ندهد می‌توان یک دانه مازو [میوه کروی شکلی است که بر روی تنہ درختان بهویژه درخت بلوط به وجود می‌آید (۵)] را در یک پیاله آب جوشانیده، بنوشانند. ۱۰ تا ۲۰ نخود سونیترات دُبیسموت [بیسموت ساپ سیترات پتاسیم (۵)] و به همین مقدار، معجون مثرودیطوس [مثرودیطوس یک داروی ترکیبی ضدسم مشهور است. این داروی ترکیبی از ابتکارات دانشمند و فرمانروای مثرودیطوس، میتریدات ششم، پادشاه پادشاهی آناتولی باستانی پونتوس (۶۳ تا ۶۳ هق) است که نام خود را بر آن نهاده است (۷)] معجون خورانیده، تا اطراف سرد نشده است، کلدیورن [Castor oil] یا روغن کرچک به روی شکم بمالند.

در هنگام برودت، شراب گرم کرده و پونش [پونه (Pennyroyal) گیاهی در داروهای طب سنتی ایرانی و معطر که جزو گیاهان خانواده نعنایان یا Lamiaceae است. گیاهی است از سرده نعنا و تیره لب‌گلی‌ها و لمده برگ‌های آن عطر نعنا دارد (۸)] از چای و عرق و عرق اکلیل‌الجل [عرق اکلیل کوهی یا رزماری (۵)] یا یک پیاله از مطبوخ، دو مثقال اکلیل‌الملک [یونجه زرد یا ناخنک یا شاه‌افسر (۵)] را با یک قهوه‌خواری عرق مخلوط نموده، بدهنند. چای تلخ و قهوه، مخلوط با عرق خورانیده، یک پیاله دمنوشانیده عرق نعناع یا پودنه [پونه (۵)] داده، هر دو ساعت یک قاشق آش خواری از این مخلوط (صفحة ۱۱) (کلروفرم ۵ نخود، الكل یک مثقال و نیم، استات دامونیاک ۲ مثقال، آب ۲۲ مثقال، شربت کلریدرات دُمرفین ۸ مثقال) بدهنند که تشنج‌های دردناک را رفع نموده، عمل جلد را تحریک کرده، قی و اسهال را بسته، فساد خون را اصلاح نموده، درواقع دوای این هنگام است؛ چون ممکن نباشد، چند دانه قرص پونه خورانیده، مریض را

علاج - هیچ پولیس حفظ صحّتی تاکنون قابل جلوگیری عمومیت وبا نبوده، ولی این‌قدر هست که باید اجزای حکومت هر شهر مترصد باشند که چون در نقطه معینی مرض وبا بروز کند، اشخاص موضع را متفرق ساخته، مانع رسیدن تخم حیوانات ذره‌بینی به محل مجاور گردند، بدین که:

- لباس و رختخواب شخص وبا یی را سوزانید و یا جوشانیده و یا به مدت یک ساعت در نمک آبی که ۲۰۰ مثقال نمک طعام در ۱۸۰۰ مثقال آب باشد خیسانیده، لگن و طشتی که در آنها قی و اسهال کرده باشند در چاهی خالی نموده، در ظرف بزرگی گذاشته، کلرور دُشو را [کلرور دوشو یا کُلُرور آهَك (Chloride of lime) (۵)] (صفحة ۹) خشک ۱۰۰ مثقال، آب ۸۰۰ مثقال در آن ظرف ریخته، تکان بدهنند تا آب به همه‌جای آنها برسد و رویشان را بگیرد پس بپرون آورده و در آب شسته، خشک نمایند، محلول کلرور دُشو را در همان چاهی که مدفوع وبا یی را در آن ریخته‌اند، بریزنند؛
- هر صبح و عصر این محلول را (زاج سیز ۱۰ مثقال، آب ۲۰۰ مثقال، محلول اسید فنیک یک در هزار ۲۰ مثقال) در مبالغی که شخص وبا یی در آن نشسته باشد، بریزنند؛ ۳- در اطاقي که خوابیده باشد چند بشتاب پر از کلرور دُشو چیده، این محلول را (آب ۲۰۰، الکل ۲۰۰، اسید فنیک ۱۰ مثقال) که در مریض خانه باید به کار داشت، بخور کنند.

در اوقات وبا یی چون کسی را اسهالی دست دهد، امساك از اغذیه و اشربه نموده، غذا حریره نشاسته و دوا مطبوخ دو مثقال پوست گنه‌گنه یا ده دانه سنجد تلخ و شربت لعابی از به‌دانه و بارهنج یا صمغ است. دو دانه سفیده تخم در یک بطربی آب و یا ۱۵ نخود لیمناد سولفوریک [لیموناد اسید سولفوریک صنعتی یا سولفوریک اسید (۵)] را در ۲۰۰ مثقال آب ریخته به تدریج نوشیده ۶ تا ۱۰ قطره لودانم [لودانوم (laudanum) محلول الكلی (تیمور) تریاک (۵)] در آب نمک (صفحة ۱۰) ریخته (نمک طعام ۱ مثقال، آب ۲۰ مثقال)، اماله [تزریق یا تنبیه (۵)] نمایند، اگر لودانم حاضر نباشد ۲ گندم [واحد سنجش معادل یک‌چهارم نخود و برابر با ۴۸ میلی‌گرم

نمک طعام در ۲۰ مثقال آب حل نموده، بدنه که محض برگردانیدن راه جذب روده بدین جمله ترجیح دارد.

در رفع تشنجات دردناک، سخت بستن بازو و ران و یا انداختن (صفحه ۱۳) حلقه برنجی بدانها و در رفع درد دل، ضماد بزرک [تخم کتان (۵)] با خطمی که چند قطره لودانم به رویش پاشیده باشند بر روی شکم انداخته از ۵ تا ۱۵ نخود کربنات آمونیاک در ۲۴ ساعت در شربت صمغی بخورانند.

از ادویه که در رفع تمام علامات وبا بسی آزموده‌اند، کلرائید [کلراید (۵)] دانه است که از ۵ تا ۲۰ نخود در مقدار کمی آب مقطّر نوشانیده و آثار معجزه‌آمیز از آن دیده‌اند، چه دافع قی و دردهای تشنجی و کوفتگی کلی است و از همه بهتر خوابی می‌آورد که در این حال مریض کمال احتیاج را بدان دارد (۴).

آبدزدک وریدی شیر را دکتر او در، بسی مفید یافته است. بدین قسم که گاوی حاضر کرده و شیرش را به روی پارچه تافته که بر دهان ظرف گرم کرده گسترش باشند، دوشیده، آبدزدک گرم کرده و از آن شیر مصفی [صافشده (۵)] پر نموده، یکی از وریدهای شخص وبای سرداشده را گشوده، به تدریج تا ۲۴ مثقال از آن شیر را در ورید آبدزدک کنند که پس از ۳ یا ۴ دقیقه سردی بدن با تمام علامات ردیه رفع شده، بدن گرم گشته، شفا حاصل (صفحه ۱۴) می‌گردد و چون این مقدار کافی نباشد ۲۴ مثقال دیگر آبدزدک بزنند.

معالجه هنگام هیجان، ترک ادویه گرم نمایند و خورانیدن یک نخود و نیم تا سه نخود گنه‌گنه؛ و چون تب زیاد و علامات ورمی شدید باشد، فصد و چون ورمی در جلد یا ریه یا پرده‌های دماغ ظاهر گردد به معالجات مخصوصه آنها پردازند.

در اوقات نقاوت وبا، مقویات غذایی و اندکی شراب تجویز نموده، از پرخوردن و اقسام افراط برحدز بوده و خود را از اثر هوا محافظت نماید. نسخه چند است که چون دست به طبیب نرسد، می‌توان به کار برد.

در بخار آب بدارند، بدین قسم که دو سه سماور یا ظرف دیگر که پر از آب جوش باشند، به اطاق آورده، در اطاق را بسته، سرشار را بردارند تا بخار آب در تمام اطاق پراکنده شده، بر مریض احاطه کند. خردل و چون حاضر نباشد تخم تره‌تیزک [تخم شاهی یا تخم سپندان (۵)] مسحوق [کوفته یا ریزه‌ریزه کرده (۵)] را خمیر نموده، به بدنش مالیده، پارچه‌شمن [متحرک (۵)] داغ یا اتوی آتش‌کرده را در پارچه پیچیده، بر روی مهره کمر، دست و پایش بمالند با روغن بادام تلخ یا آب گلُنی [کلونیا شامل ترکیبی از اتانول خالص، آب و موادی که بوی مطبوعی می‌دهند (۵)] و یا روغن حنکری (کافور ۲ مثقال، مسحوق فلفل فرنگی ۲ مثقال، مسحوق خردل ۲ مثقال، سیر کوبیده ۱ مثقال، ذاریج [حشره‌ای بالدار به رنگ سبز یا آبی که بیشتر روی گیاه‌های تازه می‌نشیند و سم خطرناکی دارد و خواص طبی دارد (۵)] ساییده نیم مثقال، ۲۴ ساعت در سرکه ۸ مثقال، الکل ۸ مثقال بخیسانند) و روغن تربانتین [روغن سقز؛ نوعی روغن است که از تقطیر رزین برخی از گونه‌های درخت بنه استحصال می‌شود. تربانتین دارای خواص دارویی و صنعتی است (۵)] همه بدنش را مالش داده، روغن آمونیاک (صفحه ۱۲ آمونیاک ۶ مثقال، روغن زیتون ۲۴ مثقال) مالیده، ۴ مثقال کافور با روغن آمونیاک مخلوط نموده، بمالند. مالیدن روغن تربانتین (اسانس تربانتین ۴ مثقال، روغن بابونه ۱۲ مثقال، لودانم ۸ مثقال) نافع است.

در دفع قی دوای جوش و پارچه‌های کوچک یخ و از ۳ گندم تا ۵ نخود افیون خورانیده، آبدزدک [سرنگ، آمپول، تزریق‌کننده (۵)] زیرجلدی از مرفین (مرفین ۲ گندم، آب مقطر ۲ مثقال) بزنند.

در دفع اسهال اماله لودانمی [داروی ضداعتیاد لودانوم (۵)] و یا تریاکی نموده مطبوخ قهوه و سونیترات دیسیمومت [Bismuth II Nitrate] از یک تا پنج مثقال در یک استیکان شربت قند و یک مثقال و نیم تا دو مثقال دوای جوش شیرین و شربت جوهر گوگرد پاشوره (۵ نخود در ۲۴ مثقال شربت قند) خورانیده و چون هیچ کدام حاضر نباشد یک تا دو مثقال

[جوزالقی (Strychnos nux-vomica) (۵)] ۲۰ نخود، اتر [نمک فرآر که از ترکیب یکی از اسیدهای معدنی یا آلی با الكل به دست می‌آید (۵)] ۱۰ قطره، الكل ۱ مثقال، تعفین ارنیکا [گندیده همیشه‌بهار کوهی (۵)] ۲۰ نخود، عطر نعناع ۱۰ نخود، تعفین افیون ۳۰ نخود، تعفین اکونیت [گندیده زهر هلاهل یا گیاه گرگکش (۵)] دو مثقال و نیم ۱۵ تا ۲۰ و ۲۵ و ۳۰ و چون لازم شود ۴۰ قطره در یک پیاله قهوه‌خواری شراب ریخته، بدھند.

از دواهایی که در رفع مرض وبا استعمال کرده و مفید دیده‌اند یکی سائل [دارویی فرانسوی که درواقع گردی است متبلور سفیدرنگ با بوی معطر و مطبوع غیر محلول در آب سرد و گلیسرین و محلول در ۱۰ قسمت الكل و ۳۰ درصد قسمت اتر و یا کلرفرم و بالاخره در انسان‌ها و اجسام چربی و واژلین به خوبی حل می‌شود. با کافور و نافتول مخلوط مایعی تشکیل می‌دهد (۵)] است از ترکیبات اسید سالیسیلیک [سالیسیلیک اسید (Salicylic acid) یکی از اسیدهای آلی است که دارای مصارف دارویی نیز می‌باشد (۵)] که مسیو خوانثال دوای مخصوص وبا دانسته است، در خمیری که تخم هوم [حشرات زهردار و موذی (۵)] وبا ی را در آن گشته و عدد بسیاری از این هوم حاصل کرده بود داخل نموده و دیده است که تمام آنها را (صفحه ۱۷) برطرف نموده و دیگر هر قدر که تخم تازه در آن خمیر ریخته تولید نشده است؛ پس در چندین شخص وبا سائل را به مقادیر مختلفه استعمال کرده و بسی سودمند یافته، در آخر بدین‌گونه دستورالعمل داده است که در وقت وبا ی هرکس در هر نوبت غذا، ۱۰ نخود سائل بخورد مبتلا به وبا نخواهد شد. در شخص مبتلا هم همین که علامات اولیه، بنای بروز گذارند، ۲۰ نخود سائل در یک پیاله لعب به‌دانه داغ ریخته همین که به صورت روغن بادام شد، داده؛ پس هر ساعتی ۵ نخود بدھند تا به کلی یقین بر شفا حاصل شود. اگر مقدارش در یک شبانه روز به چهار مثقال هم برسد باکی نیست (۴).

دویم آبدزدک اتر است. در وقت سقوط نبض و سردی بدن بدین قسم که ۵۰ قطره اتر سولفوریک را با یک مثقال الكل مخلوط نموده هر سه ساعت یک آبدزدک زیر جلدی بزنند.

اماله نشاسته

نشاسته ۳ مثقال، آب سرد ۴ مثقال، نیمی از آب را با نشاسته مخلوط نموده بهم زده، نیمه دیگر را جوش آورده، با هم مخلوط نمایند (صفحه ۱۵).

اماله لودانی

لودانم سیدنام (پزشک انگلیسی توماس سیدنهم Thomas Sydenham) ۲۰ قطره، مطبوخ خطمی ۵۰ مثقال، ۱۵ نخود نشاسته در آن ریخته اماله نمایند.

اماله قابض

لوف گل سرخ از هر یک ۲ مثقال در ۶۰ مثقال آب، دم نموده، صاف کرده، ۱۰ قطره لودانم در آن ریخته، اماله نمایند.

اماله تریاکی

نشاسته ۲ مثقال در ۵۰ مثقال آب داغ ریخته و بهم زده، یک نخود تریاک بدان مخلوط نموده، اماله نمایند.

حب رافع اسهال وبا

تریاقد فاروق ۱ مثقال، کلمبو [کلمبو (Columba) گیاهی طبی، علفی پایا و بالارونده که دارای ریشه‌های ضخیم است (۵)] ساییده ۵ نخود، عصاره افیون ۱ نخود، ۱۲ حب نموده، ۱ حب صبح و یکی عصر و چون لازم شود هر چهار ساعت یک دانه بدھند.

مالیدنی محرك جلد

اسانس تربانین امونیاک از هر یک ۱۰ مثقال مخلوط نموده، به روی مهره کمر بمالند (صفحه ۱۶).

در رفع درد دل وبا

شربت خشخاش ۲ مثقال، شربت به ۴ مثقال، عرق نعناع ۸ مثقال، آب ۱۰ مثقال مخلوط نموده، به ربع ساعت فاصله در دو یا سه نوبت بنوشند.

مخلوطی است که در وقت سردشدن بدن و سقوط

نبض استعمال کنند

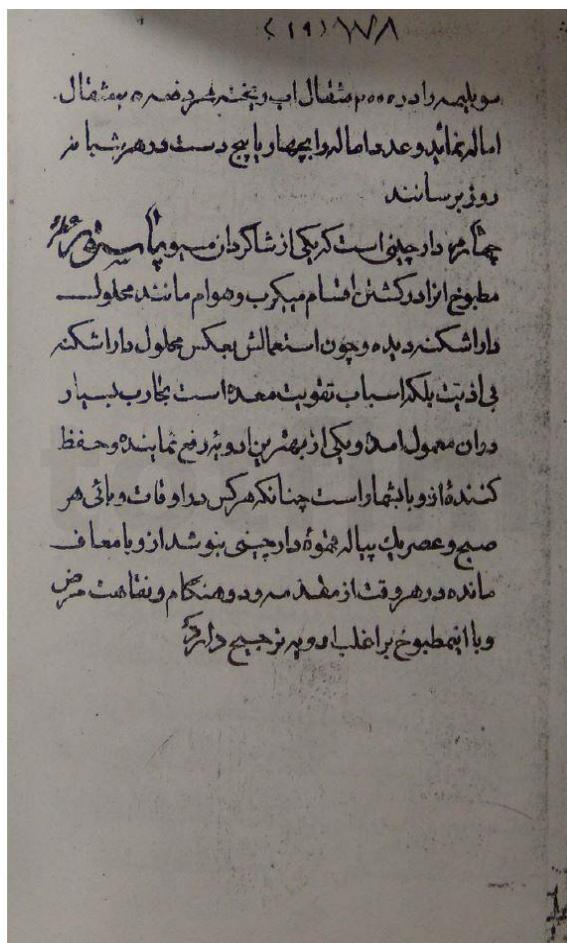
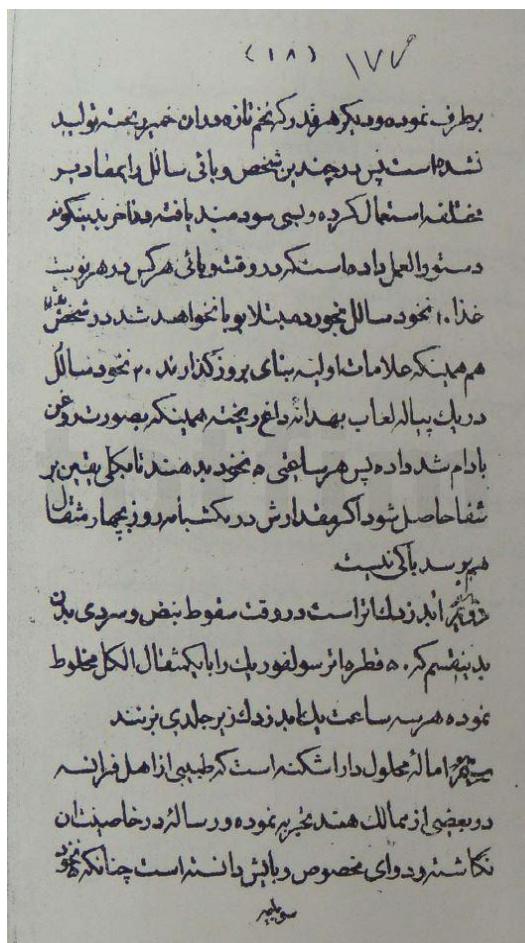
تعفین اتری [تخمیر یا تغییر بو (۵)] سنبل الطیب [گیاه سنبل الطیب پس از خشک شدن به رنگ قهوه‌ای درمی‌آید. طعم آن تلخ ولی خوشبو و معطر است. عطر آن پس از خشک شدن بیشتر می‌شود (۵)] ۱ مثقال و نیم، تعفین کچوله

شیمی‌دان و زیست‌شناس مشهور فرانسوی است (۹) [عطر و مطبخ آن را در کشنن اقسام میکروب و هوام [موجودات زهردار و موذی (۵)] مانند مخلوط داراشکنه [ماده‌ای سمی که از ترکیب کلر و جیوه یا ترکیب جیوه و سم الفار (آرسنیک) به‌دست می‌آید (۵)] است که طبیبی از اهل فرانسه در بعضی از ممالک هند تجربه نموده و رساله در خاصیت آن نگاشته و دوای مخصوص وباش دانسته است. چنانکه ۵ نخود (صفحة ۱۸) سوبیلیمه [Sublime] سمی خطرناک و قابل تصعید که در آب محلول شده و از گرم کردن سولفات مرکوریم و نمک به‌دست می‌آید (۵)] را در ۲۰۰۰ مثقال آب ریخته هر دفعه ۲۵ مثقال اماله نماید و عدد اماله را به چهار یا پنج دست در هر شبانه روز برساند (۴).

چهارم دارچینی است که یکی از شاگردان موسیو پاستور [لویی پاستور (Louis Pasteur) (۱۸۲۲ تا ۱۸۹۵ م.)

سیم اماله محلول داراشکنه [ماده‌ای سمی که از ترکیب کلر و جیوه یا ترکیب جیوه و سم الفار (آرسنیک) به‌دست می‌آید (۵)] است که طبیبی از اهل فرانسه در بعضی از ممالک هند تجربه نموده و رساله در خاصیت آن نگاشته و دوای مخصوص وباش دانسته است. چنانکه ۵ نخود (صفحة ۱۸) سوبیلیمه [Sublime] سمی خطرناک و قابل تصعید که در آب محلول شده و از گرم کردن سولفات مرکوریم و نمک به‌دست می‌آید (۵)] را در ۲۰۰۰ مثقال آب ریخته هر دفعه ۲۵ مثقال اماله نماید و عدد اماله را به چهار یا پنج دست در هر شبانه روز برساند (۴).

چهارم دارچینی است که یکی از شاگردان موسیو پاستور [لویی پاستور (Louis Pasteur) (۱۸۲۲ تا ۱۸۹۵ م.)



تصویر ۲. دو صفحه آخر رساله

داروشناسی این پژوهش عصر ناصری، روایات متفاوت از تاریخ اجتماعی ایران در دوره قاجار و شیوع وبا، از نکات قابل توجه این رساله می‌باشد که می‌تواند در مطالعات تاریخ اجتماعی بیماری‌های واگیر در نزد مورخان اجتماعی پژوهشی مورد توجه قرار بگیرد.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

حمایت مالی

پروتکل این طرح پژوهشی پسادکترا با عنوان: «نقش خطوط کشتیرانی و راه‌آهن بین‌المللی در تسريع انتقال بیماری‌های واگیر به مرزهای سیاسی ایران دوره قاجاریه (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ هق/ ۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵ م)»، تحت حمایت مادی بنیاد ملی علم ایران (INsf) برگرفته شده از طرح شماره «۴۰۲۰۷۰۴»، در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ تصویب شد.

تشکر و قدردانی

از جناب آقای دکتر محمد صدر که در بازخوانی بعضی کلمات و اصطلاحات فرانسوی و معیار فارسی آن یاریگر بودند، سپاسگزاری می‌شود. همچنین از گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی که در انجام صحیح طرح پسادکترا حامی و پشتیبان بودند، کمال تشکر و قدردانی را می‌نماییم.

نتیجه‌گیری

بیماری مهلک وبا که به گفته هما ناطق به «مرض موت» یا «مرگ‌گارگی» نیز معروف بوده، یکی از بیماری‌های بسیار شایع در ایران بوده است. شیوع بیماری وبا در رشت سبب نگارش رساله مهمی در حوزه بیماری وبا توسط یکی از پژوهشکان دانش آموخته مدرسه دارالفنون شد. این اثر آن‌چنان دارای اهمیت بود که صاحب آن به عضویت «مجلس حفظ الصحة تهران» درآمد. در این تحقیق تلاش شد این نسخه خطی نستعلیقِ منحصر به فرد طبی دوره قاجار در تهران (توسط کاتبی نامشخص) را که در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه با شماره نسخه ۱۰۲۶ به زبان فارسی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران باقی مانده، بررسی و بازخوانی کنیم. این نسخه در واقع رساله بسیار مهم در موضوع وبا است؛ «رساله‌ای در دفع وبا» از آبوالحسن خان بهرامی (تفرشی)، پسر عبدالوهاب خان تفرشی مشهور به میرزا ابوالحسن خان دکتر (معتمدالسلطان) (۲۳ ربیع الاول ۱۲۶۱ تا ۱۳۳۲ هق/ ۱۸۴۵ تا ۱۹۱۴ م)، از پژوهشکان طب سنتی و طب مدرن در دوره قاجار (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ هق) بوده است. بازخوانی و تصحیح علمی و ادبی دوباره این نسخه طبی با دقت بسیار صورت گرفته است. ظاهرًا شیوع اپیدمی وبا در رشت در سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۴ هق/ ۱۸۷۶ تا ۱۸۷۷ م از عوامل نگارش این رساله بوده است. در کنار مباحث طبی و

References

1. Razpoush Sh. Encyclopaedia of the World of Islam. Tehran: Islamic Encyclopaedia Foundation; 2019. Vol.4. p: 795. [In Persian].
2. Mirsalehian A, Dalvand M. History of bacterial infection diseases in Iran. Iranian Journal of Medical Microbiology. 2018 Oct 10; 12(4): 230-8.
3. De Warzee D. Peeps into Persia. Translated by Tahmasebi Sh. Tehran: Qoqnoos; 2018. p:139-140.
4. Bahrami Tafreshi MAH. *Risalah dar Daf'i Vaba* (Cholera). Tehran: Library, Museum and Document Center of IRAN Parliament; 1876. Manuscript: 1026. P:1-19. [In Persian].
5. Available at: URL: <https://abidis.ir/> Accessed January 07, 2025.
6. Tan SY, Berman E. Robert Koch (1843-1910): Father of microbiology and Nobel laureate. Singapore Medical Journal. 2008 Nov 1; 49(11):854-5.
7. Ciaraldi M. Drug preparation in evidence? An unusual plant and bone assemblage from the Pompeian countryside, Italy. Vegetation History and Archaeobotany. 2000 Jul; 9: 91-8.
8. Gunby P. Medical news: Plant known for centuries still causes problems today. Journal of the American Medical Association. 1979; 241(21):2246-7.
9. Ligon BL. Biography: Louis Pasteur: A controversial figure in a debate on scientific ethics. Seminars in Pediatric Infectious Diseases. 2002; 13(2):134-141.



Studying and Correcting the Version of "Resaleh Dar Daffeh Vabba (Cholera)" by Doctor Mirza Abu'l Hassan Khan (Mu'tamid al-Sultan)

Seyyed Alireza Golshani^a, Ghobad Mansourbakht^{a*}, Hojjat Ebadimanesh^b

^aDepartment of History, Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

^bDepartment of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran

Abstract

The copy of the treatise "*Risalah dar Daf'i Vaba (Cholera)*" by Abu'l Hassan Khan Bahrami (Tafreshi), son of Abdul-Wahab Khan Tafreshi, known as Doctor Mirza Abu'l Hassan Khan (Mu'tamid al-Sultan) (1845 to 1914 AD), one of the doctors of traditional and modern medicine in the Qajar period (1794 to 1925 AD). This is a unique manuscript in Persian language that remains in the library of manuscripts of the Islamic Parliament Library with the version number 1026. This research was carried out using an analytical-critical approach and employed a library-document methodology. After re-reading and correcting the manuscript of "*Risalah dar Daf'i Vaba (Cholera)*" in order to achieve the goals of the research, the collected information was analysed. The content of the treatise is written in two chapters. First, this medical treatise focuses on the nature of cholera and orders to safeguard individuals from infection. In this research, we will initially examine in the introduction, a brief history of the outbreak of cholera in the Qajar period and the cause, which was discussed by Doctor Abu'l Hassan Khan Bahrami (Tafreshi). Finally, we will deal with the scientific and literary correction of the "*Risalah dar Daf'i Vaba (Cholera)*" manuscript.

Keywords: Cholera; History of Medicine; 19th century history

Corresponding Author: G_Mansourbakht@sbu.ac.ir